

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرهاد لیبیب

۱۰/۰۸/۲۷

"نگویند که نگفته بودم"

هشتم اگست سال جاری مصاحبه ای داشتم با خواهر مبارز خویش "نسرین معروفی" پیرامون زمزمه تجزیه سر زمین مان ، که در این اواخر سر زبانها افتیده است ، من در آن صحبت گفتم که آوازه تجزیه افغانستان کار امروز استعمارگران نبوده ، بلکه این حرکت برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ در نشریه "لاس انجلس تایم" عریان گشت ، موازی بدان حرکات تفرقه افکنانه توسط عوامل بومی ، آنها عملاً آغاز گردید .

این قلم ضمن دو مقاله یکی در شماره بیست و سوم ماهنامه "هفته فام" و دیگری در سال ۱۹۹۳ دو هفته نامه وزین "زرنگار" چاپ تورنتو موضوع را افشاء و هشدار دادم و دو بار هم از راه امواج "رادیو نوای باختر" مسأله را با شنوندگان آن در میان گذاشتم .

نخست به نوشته نشر شده اینجانب در دو هفته نامه "زرنگار" توجه نمائید؛ قبل از انتشار مجدد نوشته ، یک نکته دیگر هم قابل ذکر میباشد:

همزمان با بیرون دادن نقشه در نشریه ای که ذکرش رفت "شبنامه" و یا نمی دانم چی نام بدان گذاشت ، در بیست و هشت صفحه با عنوان (ترجمه شماره پنجم جریده ترگمی ، ارکان نشراتی، دلوای افغانستان تولنه) و به عین صورت به اصطلاح جواب آن در بیست و چار صفحه به عین قطع و صحافت ، به آدرس تک تک از مهاجران پست گردید ، که دریافت کننده آگاه و دراک ، با کمی تعمق میتوانست ، در آن سه نکته را دریابد:

نخست این که از طرز نگارش هر دو شبنامه که در ظاهر ضد یکدیگر نوشته شده بود و شباهت هائی با هم داشتند، معلوم می گردید که نویسنده و یا نویسندگان هر دو یکی میباشد.

دوم این که مصارف چاپ و پست "پنجاه" صفحه ، آنهم بدان گستردگی ، نمی توانست کار کدام سازمان و یا گروه افغان های شناخته شده باشد.

سوم این که با کمی تعمق میتوان دریافت که جریده ای به نام "ترگمی" در سراسر مناطق مهاجر نشین موجود نبوده، یعنی وجود خارجی نداشته است .

نقشه و کاپی روی جلد شبنامه های متذکره در پای این نوشتار آمده است .

افغانستان در آستانه نابودی

هر گاهی که به نقشه طرح شده از طرف امریکا، از یکسو و از جانب دیگر به اعمال گروه های تفنگدار در چند سال گذشته ، دقیق می‌شوم ، در می‌یابم که قدم به قدم نقشه امریکا در سر زمین مان به دست نوکران شان در عمل پیاده می‌گردد.

نخست نکاتی چند پیرامون نقشه تذکار یافته.

این نقشه طرح شده از طرف امریکا (آسیا در قرن بیستم) نام داشته، که برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ در نشریه "لاس انجلس تایم" منتشر گردید ، این نقشه به پیشنهاد وزارت خارجه امریکا ، توسط شش نفر متخصص جغرافیای سیاسی طرح گردیده، که چهار نفر آنها استادان جغرافیای سیاسی در پوهنتونهای امریکا و دو نفر دیگر از جمله مامورین عالیرتبه وزارت خارجه ، که یکی از آنها رئیس بخش جغرافیه سیاسی آن کشور در وزارت امور خارجه می‌باشد .

این خود می‌رساند که این نقشه، یک طرح عادی نبوده که توسط چند مهندس مسلکی و ساختمانی ، ترتیب شده باشد . این نقشه شاید مدتها قبل طرح شده باشد، که با بیرون شدن آن برای اولین بار نشریه "مجاهد ولس" منتشره ناروی، با تذکراتی چند آنرا به نشر رسانید ، بعد از آن در شماره بیست و سوم "هفته فام" در سال ۱۹۹۳ که مسئولیت آنرا نگارنده به دوش داشت منتشر گردید، در این نقشه چیزی که به ما افغانها تعلق می‌گیرد اینکه ، نظر به طرح متخصصین امریکائی در دو هزاره میلادی افغانستان به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم گردیده، که قسمت شمال آن با تاجکستان و ازبکستان و جنوب آن ضمیمه پاکستان خواهد شد .

بلی هموطن من !

حال نقشه افغانستان را پیش روی خویش هموار نموده و به دقت در آن نگاه کنید و دریابید که همین حالا خطوط مقدم جبهه جنگ میان به اصطلاح طالبان و به اصطلاح مخالفان آنها (شورای نظار) دقیقا به نقشه طرح شده امریکا مطابق است یا خیر؟

حال باید دید که چگونه این طرح تطبیق شده و مجریان اصلی این تراژیدی مضحک کیانند؟

برای این که این موضوع را بیشتر به بررسی بگیریم ، یک کمی به عقب رفته ، چون قسمت اعظم رویداد ها را همه شاهدیم ، بنا بران از ذکر تاریخ های وقایع صرف نظر کرده، تنها سلسله واقعات را پی می‌گیریم.

بعد از توافقات پشت پرده میان "گوربچف" و "بوش" رؤسای جمهور شوروی و امریکا ، در قبال مسئله افغانستان ، کار پیاده سازی این نقشه شروع شد، همزمان موازی بدان ، مذاکرات پشت پرده میان عوامل داخلی نیز شروع گردید ، نخست "رشید دوستم" قومندان ملیشه های جوزجانی که صد ها "گلم جم" را زیر فرمان دارد با "احمد شاه مسعود" قومندان شورای نظار ، از تنظیم جمعیت اسلامی ، طرح همکاری را ریخته و عملیات مشترک نظامی را آغاز نمودند .

"داکتر نجیب الله" رئیس جمهور افغانستان، مربوط حزب دیموکراتیک خلق ، که می باید نظر به طرح سازمان ملل متحد از قدرت استعفاء داده و جای او را یک حکومت پانزده نفری غیر حزبی و سازمانی می‌گرفت در همین هنگام آقای "مسعود" توسط قوای "دوستم" ظرف چهل و هشت ساعت، از آنطرف کوه های "هندوکش" (نهرین) تا بگرام و بعد تا عقب دروازه های کابل رسانیده شد.

همزمان "داکتر نجیب" استعفاء داده، به قصد خروج از افغانستان راهی میدان هوایی شده، مگر موصوف، توسط افراد "دوستم، مسعود" برگردانده، و او به دفتر سازمان ملل متحد در کابل پناهنده می‌گردد.

آقای مسعود که قدرت دولتی را رسماً از طرف حکومت نجیب تسلیم گرفته بود، اولین اقدامی که انجام می‌دهد، اینست که سرکردگان تنظیم های مقیم پشاور را برای ساختن حکومت دعوت می‌دارد، و به قول خودش که "پلان ملل متحد امریکائی بود و من آنرا خنثی ساختم" (۱)

بعد از اینکه کابل دستخوش پراکندگی، نجیب از صحنه خارج و سیستم قبلی گسسته، طرح سازمان ملل به هم خورد، افراد سر شناس "حزب دموکرتیک خلق.." نظر به تعلقات زبانی به دو طرف خواهان حاکمیت (مسعود ربانی و حکمتیار) تقسیم گردیدند.

بعد از این نقل و انتقالات و جابه جایی ها، طرح و تطبیق از بین رفتن کابل، اردوی افغانستان و سیستم اداری آن رویدست گرفته شد.

چون کابل مرکز افغانستان، سمبول وحدت ملی و منطقه ای بود که افغانستان از آن اداره می‌گردید. بلی! وقتی پلان تجزیه در یک مملکت اجراء و عملی می‌گردد، که مرکز اداری، قوای نظامی و امنیتی و دیگر سمبول های وحدت آن، نابود گردد.

همین موضوع را به چشم دیدیم:

در ظرف چند ماه کابل به خاک یکسان، اردوی یکصد ساله افغانستان معجزه آسا نابود (۲)، تمامی وزارتخانه ها چور و چپاول، و بیشتر از همه اسناد وزارت خارجه و داخله گم و نیست گردید تا در آینده هیچ سندی مربوط به گذشته و چگونگی روابط با همسایگان نداشته باشیم.

در جریان این اوضاع و احوال، در ساحه بین المللی، یک سانسور جدی و بی سابقه در پوشش خبر از اوضاع افغانستان عملی گشت، تا افکار عامه جهان از جریانات سر زمین ما بی خبر مانده و افکار جهان صرف به جنگهای زرگری معطوف گردد، که در ظاهر میان تنظیم ها سازمان یافته بود.

بعد از نابودی اردو، سیستم اداری، از بین رفتن اسناد و سوابق، خراب شدن مرکز افغانستان "کابل" توسط راکت باران های متواتر و جنگهای در ظاهر تنظیمی، گروه تازه دمی به نام "طالبان" که قبلاً در خاک پاکستان ساخته شده بود، از راه "سپین بولدک" وارد افغانستان ساخته شد، که بعد از اندکترین مدت از قندهار تا هرات و کابل را تحت تصرف خویش در آورد (یعنی این گروه تازه نفس، به اساس نقشه مطروح امریکا تا پنجاه کیلو متری آن نقشه رسانیده شدند).

خوانندگان محترم به یاد داشته باشند که آقای "ربانی" لشکر صادر شده طالبان را "فرشتگان صلح" نامید به والی و قومندان های خویش در قندهار دستور داد تا به آنها تسلیم شوند "آقای مسعود" حزب وحدت اسلامی را توسط همین "فرشتگان صلح" در کابل تار و مار نمود.

نکته دیگری را نباید فراموش کرد:

در مناطقی که در نقشه مطروح امریکا به حیث سرحد شمال و جنوب از قبل تعیین گردیده، بدترین و زشت ترین تصفیه های قومی نیز توسط هر دو جانب صورت گرفته و می‌گیرد، که نمونه های عمده آنرا در بامیان، مزار شریف و شمالی توسط به اصطلاح طالبان و در قندوز، غور، بادغیس و بدخشان توسط قوای "دوستم، مسعود" می بینیم، گر چه در بعضی مناطق این تصفیه طوری صورت گرفت که، هر دو جناح شرایط را بالای مردم چنان سخت ساختند تا خود مردم آن مناطق را به اجبار تخلیه نمایند، مانند جنگهای شمالی در چند روز گذشته (۳)

بلی خواننده محترم !

تجزیه غیر رسمی در عمل و در کل صورت گرفته و کشور محبوب ما را به شمال و جنوب تقسیم کرده اند ، اکنون برای یک افغان ساکن جنوب ، رفتن و زندگی کردن در پاکستان خیلی آسانتر و راحت تر از زندگی و رفتن به شمال کشور شده است؛ همچنان برای یک افغان ساکن شمال وطن ما زندگی و رفتن به تاجکستان خیلی راحت تر از زندگی و رفتن به جنوب کشور شده است .

همچنان در رابطه با مسایل نظامی، آنهمه پیشروی و پس روی مکرر و بی نتیجه، صرفا به خاطر مغشوش ساختن اذهان مردم کشور و جهان انجام داده میشود ، ورنه این کدام تکتیک و شگرد نظامی است که قوای مسعود "در عین فتح و پیروزی در برابر طالبان در حالیکه لشکر طالب رو به سوی کابل در فرار اند ، باز هم در همان خط اول و جای تعیین شده قبلی متوقف شده و یک قدم هم به پیش نمی رود ؟!

و یا در گذشته زمانی که قوای "گلبدین" در مرکز شهر شکست میخورد ، نظر به اصول نظامی باید به شدت و سرعت تعقیب شده و برای آنها مجال دو باره تجدید قواء داده نشود ، مگر خلاف آن دیده میشود که نه تنها اینکار صورت نمی گیرد بلکه "مسعود" برای قوای در حال پیشروی اش امر توقف میدهد. در حالیکه ساده ترین نظامی در این حالت میداند که کابل از آتش راکت های "گلبدین" در امان نبوده و ضربه پذیر میباشد، باید آنها حد اقل تا جایی تعقیب کردند که آتش راکت های آنها کابل را به ویرانه مبدل نسازد.

بلی خواننده محترم!

قراریکه گفته آمد، تجزیه کشور ما عملا توسط عمال نمک حرام بومی ، انجام داده شده و همین اکنون روی رسمیت دادن آن کار میکنند ... و این تلاشها را به استناد گفتار رهبران طالب و ائتلافیون به ظاهر مقابل شان میتوان به وضاحت درک نمود ، چنانچه "مسعود" طی مصاحبه ای با یکی از خبر گذاری های خارجی، که دو ماه قبل از طریق (سی ان ان) به نشر رسید گفت:

"اگر خدا بخواهد قوای خود را به کابل برسانیم ، در غیر آن باید به دشمن بفهمانیم که جنگ راه حل نیست" یعنی ایشان هیچ علاقه ای به پیشروی تا سرحدات افغانستان را ندارند. و یا هم در این اواخر ، یکی از بلند گویان نزدیک به او راجع به عقب روی و پیش روی آقای مسعود گفت:

"آن مناطقی که هدامن را که طالبان گرفته بودند آقای مسعود آنرا واپس گرفت و مردانه یک قدم بیشتر از آن نرفت" بلی ! آقای مسعود قبلا سرحد خود را تعیین نموده است ، لذا نباید یک قدم از آن بیشتر برود .

شاید بعضی ها بگویند که آقای مسعود با امکاناتی که در اختیار دارد، موازی بدان حرکاتش را سازمان میدهد، اما از آن جایی که اکمالات لوژستیکی هر دو جانب، و یا هم تمامی گروه های متخاصم از بیرون صورت می گیرد، در نهایت خارجی ها و دستور دهندگان اند، که وضع را تنظیم نموده و مسیر میدهند، گر چه در بعضی موارد عملکرد طالبان در رابطه یکدست کردن افغانستان نسبت به "شورای نظار" صریح و قاطع میباشد .

یک نکته بسیار عمده دیگر را در رابطه تجزیه نباید فراموش کرد و آن موجودیت هر دو شاخه حزب "خلق و پرچم" (گروه کار ، سازا ، محفل انتظار) در دو گروه متخاصم .. که فعلا در کدر های نظامی و تبلیغاتی هر دو طرف، فعال هستند، اینها به خاطر زدودن جنایات خود از یکسو، و از سوی دیگر به خاطر حضور داشتن در متن جریانات، برای گرفتن دو باره قدرت، منظم دست به کار میباشند، اینها هم در صورت تجزیه و هم کامیابی یکطرف، و یا هم اتحاد گروه های متخاصم میتوانند ، اهداف خویش را دنبال نمایند

این بود برداشت این قلم از نقشه طرح شده آمریکا و عملکرد طرفین متخاصم در افغانستان که خدا کند درست نباشد، در غیر آن ، اگر این بر داشت درست باشد، خداوند برای مردم ما هشیاری بیشتر و مقاومت بیشتر اعطا فرماید، تا این نقشه شیطانی را خنثی و مجریان داخلی آنرا مجازات نمایند و در نهایت افغانستان از آستانه نابودی نجات یابد .

آمین یارب العالمین ، و سلام

(۱) صحبت "احمد شاه مسعود" در شمالی میباشد، این کست نزد نگارنده موجود است .

(۲) در افواه چنین پخش شده است ، که گویا اردی افغانستان را (نواز شریف) صدراعظم پاکستان نابود ساخته است، اما حقیقت اینست که اردوی افغانستان توسط اعضای (حزب دیموکراتیک خلق) بیشتر همان وقت نابود شد که نظر به تعلقات زبانی در میان "گلبدین" و "مسعود" تقسیم شدند، این موضوع نه تنها اردو را دو نصف نمود، بلکه روند تجزیه زبانی را شدت داد .

(۳) ما تصفیه قومی را توسط شورای نظر و دوستم در مناطق تخار ، مزار و دیگر نقاط شمال می بینیم که، همین حالا به هزاران، هزار هموطن ما که به ملیت "پشتون" تعلق دارند ، از مناطقی که سالها برادر وار زندگی کرده اند، مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش شده، و فعلا در بدترین حالت در دشت های جنوب سرزمین ما زندگی دارند، که حتی مطبوعات به اصطلاح آزاد هم ، خبری از حال و احوال آنها را پوشش نمی دهند .

